دیدگاه

گفت‌وگو با پروفسور بارتولومئوس پیرونه
دین‌پژوه برجسته ایتالیایی

بدهکاری علمی و اخلاقی واتیکان به اسلام شیعی

بهمن دهستانی | پروفسور «بارتولومئو پیرونه» اهل ایتالیا و یکی از برجسته‌ترین دین‌پژوهان و محققان ادیان ابراهیمی در اروپاست. او ساکن شهر رُم و سال‌ها مشغول تدریس و تحقیق در مؤسسه پاپی مطالعات اسلامی عربی وابسته به واتیکان است که برای گفت‌وگو با جهان اسلام تأسیس شده است. پروفسور پیرونه سفرهای متعددی به کشورهای اسلامی داشته و در سال ۹۷ برای شرکت در نخستین همایش بین‌المللی امام‌رضا(ع) و گفت‌وگوی ادیان به مشهد و حرم رضوی آمد. به مناسبت ایام میلاد امام رضا(ع) و پاسداشت سیره آن حضرت در ارتباط و گفت‌وگو و مناظره با پیروان ادیان، با این چهره مطرح روابط اسلامی- مسیحی گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ **درباره میزان آشنایی مراکز مسیحی در اروپا به‌خصوص واتیکان با اسلام شیعی بفرمایید و چقدر درخصوص تفاوت‌های آن با دیگر مذاهب اسلامی اطلاع وجود دارد؟**

باسلام و تشکر از لطف شما؛ من خاطرات خوبی که از شهر شما مشهد به یاد دارم هرگز فراموش نمی‌کنم. روزهایی خوب و به یادماندنی را در سفر به مشهد تجربه کردم. متأسفانه باید بگویم اینجا در ایتالیا و در واتیکان مدت‌هاست از وضعیت و تکاپوی مذهبی و اخلاقی جهان تشیع بی‌اطلاع هستیم. ما به‌هکاری زیادی به اسلام شیعی داریم چرا که تمایز خود را از زمان اولین فتوحات اسلامی نشان داده است، ما به تاریخ اسلام توجه کرده‌ایم، ابعاد گسترش اسلام را مطالعه و میراث فلسفه ارسطویی در جهان اسلام را تحلیل نموده و ترجمه‌ها و انتقال آثار فلسفی اندیشه یونانی را معرفی کرده‌ایم اما نباید از سهم جامعه علمی مسیحی در این مطالعات و بررسی‌ها غافل شویم. به‌طور مثال ما شهرت پزشکان و ریاضیدانان مسلمان را زیاد مطرح کرده‌ایم اما دربرابر دنیای شیعه و اختصاصات آن انگار وزنه‌ بوده‌ایم و تقریباً چیزی نمی‌دانیم یا آنکه خیلی بیشتر از اهل سنت می‌توانند تنش‌های درونی جهان مسیحی را بفهمند.

■ **به نظر جنابعالی برای داشتن گفت‌وگوی عمیق علمی و پایدار میان اسلام و مسیحیت از کجا و چگونه می‌توان آغاز کرد؟**

به نظرم با برخی نکاتی که گفتم شاید به این پرسش هم پاسخ دادم. باید ببینیم چه می‌خواهیم. آیا می‌خواهیم با هم سخن بگوییم؟ آیا می‌خواهیم به چشمان یکدیگر نگاه کنیم؟ آیا می‌خواهیم تلاش ما مورد توجه خدا قرار بگیرد و برای کسانی که الان در کنار ما و در جامعه و جهان ما هستند مؤثر باشد و برای آیندگان به یادگار بماند؟ بسیار خب، آغاز گفت‌وگوی سازنده این است که دور هم جمع شویم، با یکدیگر ملاقات کنیم، دست در دست هم قدم برداریم و آثاری جز گذاریم که قابل محو شدن نیستند.

گرچه این یک گفت‌وگوی دینی خواهد بود اما در واقع باید برای دین باشد، یعنی باید گفت‌وگویی شکل بگیرد که در راه خدا و با خدا و برای خدا باشد تا پروردگار، ادراک و احساس هر یک از ما را سرشار و متحول کند. در بُعد اجتماعی هم سکه و پیورو واحد پولی مشترکی برای پیوستگی و اتحاد اهل ایمان و پیروان انبیاست بلکه این گفت‌وگو است که ثروت مشترک است و آن را خلق می‌کند. گفت‌وگو باید به ارز جهانی و مشترک بشریت تبدیل شود. بیایید که حکمت ایمان و فلسفه و علمی زندگی و روح انسانی گوش کنیم.

هر کس از ما را پس از وفاتمان زیارت کند، گویا ما را در حال حیات، زیارت کرده است.

هر گاه سختی ای به شما رسید، به واسطه ما از خدا کمک بجویید.

اذا زلزلت الارض زلزالها

شده فاستعینوا بنا علی الله

چرا امام رضا(ع) می‌گوید به خدا خوش گمان باشید؟

شرح حدیث
حاج آقا مجتبی تهرانی

گمانت را به خدا نیک کن، فهمیدی؟! احساس کرده بود مثل اینکه نعوذبالله فرض کنید خدا نخواسته این در سمه باشد، «احسِنِ الظَّنَّ بِاللهِ تَعالی»، گمانت را به خدا خوب کن.

«فَاِنَّ مَن حَسُنَ ظَنُّهُ بِاللهِ تعالی»، هر کسی که گمانش به خدا نیک باشد، به خدا خوش گمان باشد به قول ما، آنجا «کانَ اللهُ عِندَ ظَنِّهِ» خدا با همان ظن و گمانش به او عمل می‌کند. اگر به خدا خوش‌بین بودی، با همان خوش‌بینی‌اش با تو رفتار می‌کند. تو به خدا خوش‌بین باش، گرفتاری و چیزی هم داری به او بگو؛ اما با خوش‌بینی بگو. خدا با همان خوش‌بینی تو با تو رفتار می‌کند.

جمله بعدی: «وَ مَنْ رَضِیَ بِالْقَلِیلِ مِنَ الرِّزْقِ»، اگر کسی از خداوند خشنود باشد؛ به اینکه فرض کنید از نظر روزی‌اش آن‌جور که او می‌خواسته، بهش نداده، فهمیدی؟! اما این را بدان در مقابلش هم هست، «قَبِلَ مِنهُ الْیَسِیرَ مِنَ الْعَمَلِ»، از آن طرف هم از تو اعمال کم خوبی‌یی‌یگو. خدا با همان خوش‌بینی تو با تو رفتار می‌کند.

انجام بده، مستحبات را هم نمی‌خواهد انجام بدهی، همه را قبول می‌کند. قبولی عمل، خیلی بالاست. خیلی به قول ما سطحش بالاست که خدا اعمال آدم را قبول کند. توجه کنید!

جمله بعد: «وَ مَنْ رَضِیَ بِالْیَسِیرِ مِنَ الْحَلالِ» اگر کسی رضایت خودش بیکو. خدا با همان خوش‌بینی تو با تو رفتار می‌کند. همان واجبات را از آن طرف هم خرج‌هایت را کم می‌کند. این خیلی نکته است. پول یا پارو برود هوا، از آن طرف، یک گره که تمام عالم جمع شود، نتوانند باز کنند... حاضری میلیاردها بدهی ولی درست نمی‌شود، هیچ تعارف نداریم. «وَ مَنْ رَضِیَ بِالْیَسِیرِ» گوش می‌کنی؟ «مِنَ الْحَلالِ» راضی باشی، حلال به دستت رسید، کم، مؤثر باشد و برای آیندگان به یادگار بماند؟ بسیار خب، آغاز یک مقدار که زندگی‌ات را بگذرانی، راضی باشی، «خُفَّتْ مَئُونَتُهُ» خرجش را کم می‌کند. «وَ نَعُمَ اَهلُه» می‌فهمی یعنی چی؟ گشایش می‌دهد به کسانی که نان‌خور او هستند. فهمیدی چه می‌خواهم بگویم؟ که فشار روی تو نگذارند، تا پیشنهاش خجالت بکشی.

زهرا دلیذیر | حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) هشتمین پیشوای شیعیان و اسوه‌ای ماندگار از فضائل والای انسانی است که می‌تواند به عنوان الگویی فکری، اعتقادی و اخلاقی و منبعی الهام‌بخش در عرصه‌های گوناگون زندگی مورد توجه اراندمندان ایشان قرار گیرد. در روایات و احادیث برای آن حضرت القابی چون رضا، رئوف، وفای به عهد، صدیق، عالم آل‌محمد، صدیق، معین‌الضعفا و شمس‌الشموس را برشمرده‌اند که هر یک بیانگر یکی از جنبه‌های درخشان وجودی این امام بزرگوار است. همزمان با ولادت خجسته حضرت رضا(ع) درباره القاب و فضائل آن حضرت با آیت‌الله حسن عالمی، عضو مجلس خبرگان رهبری به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

■ **گفت‌وگو را با مروری بر ولادت و القاب حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) آغاز کنیم.**

حضرت رضا(ع) بنابر جلد ۴۹ بحارالانوار علامه مجلسی به نقل از مرحوم شیخ صدوق آمده است. بر اساس این روایت، ولادت حضرت رضا(ع) در ۱۱ ذی‌القعده سال ۱۴۸ هجری قمری در مدینه متولد شدند. پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) مژده ولادت حضرت رضا(ع) را سال‌ها پیش از تولدشان به مردم داده‌اند؛ به جز روایاتی که رسول خدا(ص) نام امامان از حضرت علی(ع) تا امام مهدی(عج) را بیان کرده‌اند و نام مبارک حضرت رضا(ع) نیز آمده است، روایت خاصی از پیامبر(ص) است که می‌فرمایند: «از نسل من فرزندی به دنیا خواهد آمد و این فرزند در خراسان بین‌الجبلین به شهادت خواهد رسید و حرم او بقعه‌ای از بقعه‌های بهشت است». امام صادق(ع) اشتیاق دیدار حضرت رضا(ع) را داشتند ولی به آرزوی خود نرسیدند و امام هشتم(ع) چند روز پس از شهادت جد بزرگوارشان متولد شدند. امام موسی کاظم(ع) فرموده‌اند: از پدرم جعفر بن محمد بارها شنیدم که می‌فرمود عالم آل‌محمد از تو به وجود می‌آید کاش درا درک می‌کردم. امام هشتم(ع) به جز القابی که به همه امامان معصوم(ع) داده شده مانند امین‌الله، حجت‌الله و... دارای القاب اختصاصی چون رضا، زکی، عالم آل‌محمد، ضامن آهو، مرتضی، رئوف، سراج‌الله، صدیق، غریب‌الغربا، معین‌الضعفا، شمس‌الشموس و... نیز هستند که هر یک بیانگر یکی از صفات و فضائل وجودی آن امام بزرگوار است. امام رضا(ع) تا سال ۲۰۳ هجری در قید حیات بودند و سن مبارک آن حضرت در زمان شهادت ۵۵ سال بوده است.

■ **در بین القاب امام هشتم(ع)، نام مبارک «رضا» از همه معروف‌تر است. چرا آن حضرت به این عنوان ملقب شدند؟**

اتفاقاً در این زمینه روایتی از برنطی از اصحاب خاص حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) داریم که در جلد ۴۹ بحارالانوار علامه مجلسی به نقل از مرحوم شیخ صدوق آمده است. برنطی از امام محمد تقی(ع) سؤال می‌کند آیا اینکه بر سر زبان‌های مردم است که چون حضرت رضا(ع) به ولایتعهدی مأمون راضی شدند ایشان را رضا نامیده‌اند درست است؟ امام جواد(ع) فرمودند: کسانی که این حرف را می‌زنند دروغ می‌گویند. اصلاً چنین نیست. سپس فرمودند: خداوند تبارک و تعالی نام رضا را برای علی بن موسی انتخاب کرده است زیرا آن حضرت از خدا راضی بود و خدا هم از او راضی بود. در زمین هم حضرت رضا(ع) از پیامبر(ص) و ائمه(ع) راضی بود و آن‌ها نیز از حضرت رضا(ع) راضی بودند.

■ **حضرت رضا(ع) را امام رئوف می‌نامند. این رأفت چگونه محبتی است و شامل حال چه کسانی می‌شود؟**

رئوف یعنی فردی که بسیار مهربان و دلسوز است و حتی دیگران را بر خود ترجیح می‌دهد. امام رضا(ع) در دوران حیاتشان مصداق رأفت و مهربانی بودند. به‌طوری که رأفت ایشان نزد همگان زبانزد بود و عامه مردم از هر قشری به‌راحتی می‌توانستند به منزلشان رفت و آمد کنند و با ایشان هم‌سخن شوند. خود آن حضرت می‌فرمایند: «محبت و دوستی با مردم نیمی از خرد است». در روایتی از قول ابراهیم بن عباس صولی آمده: «هرگز ندیدم ابوالحسن الرضا(ع) در سخن گفتن با کسی درشتی کند، هرگز ندیدم سخن کسی را قطع کند، هیچ‌وقت درخواست کسی را اگر قادر به انجامش بود، رد نکرد... هر که بگوید در فضیلت، کسی را مانند او دیده، یاور نکنید». در روایت دیگری نیز آمده: «امام رضا(ع) از مردم رو برنمی‌گرداندند و همواره با خوش اخلاقی از تو را رحمت کند؛ سپس رو به مردم کرد و به پاسخ سؤال‌های آن‌ها پرداخت. مدتی بعد، همه مردم رفتند و تنها آن مرد مسافر، من، سلیمان جعفری و خثیمه در خدمت امام(ع) ماندیم. آن حضرت به ما فرمود: اجازه می‌دهید به اندرونی خانه بروم؟ حضرت برخاست و وارد حجره‌ای شد و پس از چند دقیقه بازگشت و از پشت در فرمود: آن مرد مسافر خراسانی کجاست؟ خراسانی برخاست و گفت: اینجا هستم! امام از بالای در، دستش را به سوی مسافر دراز کرد و فرمود: این دینارها را بگیر و خرجی راه خود را با آن تأمین کن و این مبلغ مال خودت باشد؛ دیگر لازم نیست از ناحیه من معادل آن را صدقه بدهی. برو که نه تو مرا ببینی و نه من تو را ببینم. تاجر خراسانی، پول را گرفت و رفت».

یسع در ادامه روایت می‌افزاید: «سلیمان به امام رضا(ع) عرض کرد: فدایت شوم که عطا کردی و مهربانی فرمودی؛ ولی چرا هنگام پول دادن به تاجر خراسانی، خود را نشان نداد؟! امام(ع) فرمود: از آن ترسیدم که به خاطر برآورده کردن حاجتش، شرمندگی درخواست کمک را در چهره او ببینم...».

گفت‌وگوی قدس با آیت‌الله عالمی عضو مجلس خبرگان رهبری

ریشه‌شناسی القاب حضرت رضا(ع)

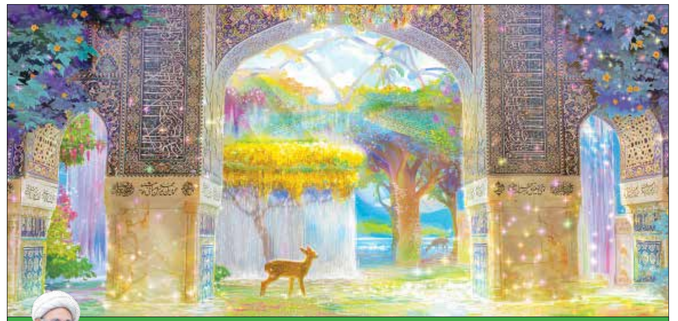

خداوند تبارک و تعالی نام رضا را برای علی بن موسی انتخاب کرده است زیرا آن حضرت از خدا راضی بود و خدا هم از او راضی بود. در زمین هم حضرت رضا(ع) از پیامبر(ص) و ائمه(ع) راضی بود و آن‌ها نیز از حضرت رضا(ع) راضی بودند.

بوده‌اند و به امام هشتم(ع) چه در زمان حیاتشان و چه پس از شهادتشان ارادت خاصی داشته و دارند. از سوی دیگر حضرت علی(ع) نیز از مدینه به کوفه هجرت نمود و این عشر را مرکز حکومت قرار داد. آیا دوری مکان برای امام معصوم(ع) موجب غربت است؟

سؤال بسیار خوبی است. این لقب برگرفته از احادیثی است که درباره آن حضرت آمده است. برای نمونه در روایت مشهوری از قول امام علی(ع) آمده: «بعْزودی مردی از فرزندان من در خراسان به وسیله زهر به شهادت می‌رسد؛ آگاه باشید هر کس او را در غربتش زیارت کند خداوند گناهان وی را می‌آمرزد». خود امام هشتم(ع) نیز در حدیثی می‌فرمایند: «مرا در غربت به خاک می‌سپارند؛ هر کس مرا زیارت کند در روز قیامت او را زیارت می‌کنم». دلیل این همه تأکید به غربت امام هشتم دوری از مدینه و جابه‌جایی مکانی نیست بلکه درد و رنجی است که آن حضرت از اجبار مأمون برای پذیرش ولایتعهدی و حرکت به مرو دوران اختیار خودشان، متحمل شدند. در واقع این سفر نوعی اسارت بود و حتی خانواده و فرزند عزیزشان امام جواد(ع) را همراه خود نبردند. سفر اجباری آن حضرت به مرو و نشست و برخاست با گروهی که از اسلام به دور بودند و سخنرانی با ایشان نداشتند از یک سو و شایعه‌پراکنی‌های مأمون علیه امام و تلاش برای تخریب آن حضرت در جامعه اسلامی از سوی دیگر، حضرت رضا(ع) را رنج می‌داد و تأکید ایشان به خاکسپاریشان در غربت، همه برای فهماندن این موضوع به مردم است.

■ **حضرت رضا(ع) را امام رئوف می‌نامند. این رأفت چگونه محبتی است و شامل حال چه کسانی می‌شود؟**

رئوف یعنی فردی که بسیار مهربان و دلسوز است و حتی دیگران را بر خود ترجیح می‌دهد. امام رضا(ع) در دوران حیاتشان مصداق رأفت و مهربانی بودند. به‌طوری که رأفت ایشان نزد همگان زبانزد بود و عامه مردم از هر قشری به‌راحتی می‌توانستند به منزلشان رفت و آمد کنند و با ایشان هم‌سخن شوند. خود آن حضرت می‌فرمایند: «محبت و دوستی با مردم نیمی از خرد است». در روایتی از قول ابراهیم بن عباس صولی آمده: «هرگز ندیدم ابوالحسن الرضا(ع) در سخن گفتن با کسی درشتی کند، هرگز ندیدم سخن کسی را قطع کند، هیچ‌وقت درخواست کسی را اگر قادر به انجامش بود، رد نکرد... هر که بگوید در فضیلت، کسی را مانند او دیده، یاور نکنید». در روایت دیگری نیز آمده: «امام رضا(ع) از مردم رو برنمی‌گرداندند و همواره با خوش اخلاقی از تو را رحمت کند؛ سپس رو به مردم کرد و به پاسخ سؤال‌های آن‌ها پرداخت. مدتی بعد، همه مردم رفتند و تنها آن مرد مسافر، من، سلیمان جعفری و خثیمه در خدمت امام(ع) ماندیم. آن حضرت به ما فرمود: اجازه می‌دهید به اندرونی خانه بروم؟ حضرت برخاست و وارد حجره‌ای شد و پس از چند دقیقه بازگشت و از پشت در فرمود: آن مرد مسافر خراسانی کجاست؟ خراسانی برخاست و گفت: اینجا هستم! امام از بالای در، دستش را به سوی مسافر دراز کرد و فرمود: این دینارها را بگیر و خرجی راه خود را با آن تأمین کن و این مبلغ مال خودت باشد؛ دیگر لازم نیست از ناحیه من معادل آن را صدقه بدهی. برو که نه تو مرا ببینی و نه من تو را ببینم. تاجر خراسانی، پول را گرفت و رفت».

یسع در ادامه روایت می‌افزاید: «سلیمان به امام رضا(ع) عرض کرد: فدایت شوم که عطا کردی و مهربانی فرمودی؛ ولی چرا هنگام پول دادن به تاجر خراسانی، خود را نشان ندادی؟! امام(ع) فرمود: از آن ترسیدم که به خاطر برآورده کردن حاجتش، شرمندگی درخواست کمک را در چهره او ببینم...».

آن استقبال می‌کردند. این عمل حضرت همچون آهنربایی قدرتمند مردم را به ایشان جذب می‌کرد».

یکی از خادمان امام رضا(ع) می‌گوید: آن حضرت هیچ وقت پای سفره غذا تنها نمی‌نشستند بلکه غلامان و کنیزان و حتی دربان و برنامه‌ریز این سفره را دعوت می‌کردند و با آن‌ها غذا می‌خوردند. هروقت یکی از غلامان مشغول غذا خوردن بود تا زمانی که از خوردن فارغ شود امام او را برای کاری نمی‌فرستادند. گاهی وقتی تنها می‌شدند همه خدمتگزاران را جمع می‌کردند و با آنان حرف می‌زدند و گرم می‌گرفتند. همه این‌ها بیانگر رأفت این امام همام(ع) است. این رأفت پس از شهادتشان نیز شامل حال محبان و ارادتمندانشان می‌شود. به‌گونه‌ای که هیچ کس دست خالی از حضور ایشان برنمی‌گردد و عنایات ایشان شامل حال همه ارادتمندان و زائران بارگاهشان است.

■ **یکی از القاب مشهور امام رضا(ع) عالم آل‌محمد است؛ پیش از این هم اشاره فرمودید امام صادق(ع) پیش از ولادت آن حضرت، مژده آمدن عالم آل‌محمد را داده بودند. با نگاهی به زندگانی ائمه معصومین(ع) می‌بینیم همه آن بزرگواران سرچشمه علم و حکمت بودند چرا لقب عالم آل‌محمد فقط به حضرت رضا(ع) داده شده است؟**

ابتدا درباره علم حضرت رضا(ع) باید این نکته را عرض کنم که حضرت رضا(ع) عالم‌ترین فرد زمان خود بودند. حاکم نیشابوری که از قول اباصلت هروی می‌گوید: من دانا‌تر از علی بن موسی ندیدم و هر دانشمندی که با ایشان مجالست داشت این مطلب را تأیید می‌کرد. این نشان‌دهنده جایگاه علمی والای امام است. این‌ها سبب می‌شد امام محل رجوع افراد مختلف حتی مخالفانش باشد. حتی مخالفان امام به برتری علمی ایشان اذعان داشتند. چنان‌که مأمون که امام را به شهادت رساند، می‌گوید: علی بن موسی بهترین، داناترین و عابدترین مرد روی زمین است. در گزارش‌های تاریخی آمده امام هشتم(ع) در بیست و چند سالگی در مدینه‌النبی به فتوا نشستند. جایگاه علمی ایشان به‌حدی بود که خود امام می‌فرمایند: من در حرم پیامبر می‌نشستم و دانشمندان هر مسئله‌ای که برایشان پیش می‌آمد با بر مسئله‌ای با مشکل روبه‌رو می‌شدند به سراغ من می‌آمدند. یکی از محدثان می‌گوید: حدود ۱۲ هزار سؤال جمع‌آوری شد و همه این‌ها را با حضرت رضا(ع) در میان گذاشتم و ایشان به همه آن‌ها به بهترین وجه جواب دادند. از سوی دیگر در زمانی که حضرت رضا(ع) به خراسان آمدند مأمون تلاش می‌کرد جلسات بحث و مناظره‌ای میان حضرت با علمای ادیان و مذاهب دیگر تشکیل دهد و از راه‌های بسیار دور دانشمندان را فرامی‌خواند تا با آن حضرت مناظره کنند بلکه سؤالی مطرح شود که حضرت رضا(ع) از پاسخ آن عاجز باشند. اما مأمون به اهداف شومش نرسید و همه امام هشتم(ع) با هر کس به هر زبانی که بود به زبان خودش صحبت می‌کردند و به بهترین و شیواترین وجه پاسخ او را می‌دادند. بنابراین مشهور به عالم آل‌محمد شدند؛ اصلاً عالم‌تر از این معنا ندارد.

اما درباره اینکه چرا این لقب به حضرت رضا(ع) داده شد نه امامان دیگر باید گفت هر یک از پیشوایان معصوم(ع) با توجه به شرایط عصر خود و ظرفیتی که برای فعالیت آن بزرگواران در آن دوره وجود داشت به عناوین مقلب شده‌اند؛ امام رضا(ع) هم به دلیل فضای علمی آن عصر و آشنایی جهان آن روز با علم سرشار آن حضرت، به عالم آل‌محمد ملقب شدند.

■ **چرا امامان پس از حضرت رضا(ع)، از امام محمد تقی(ع) تا امام حسن عسکری(ع) این لقب را نداشته شده‌اند؟**

که امام را به شهادت رساند، می‌گوید: علی بن موسی بهترین، داناترین و عابدترین مرد روی زمین است. در گزارش‌های تاریخی آمده امام هشتم(ع) در بیست و چند سالگی در مدینه‌النبی به فتوا نشستند. جایگاه علمی ایشان به‌حدی بود که خود امام می‌فرمایند: من در حرم پیامبر می‌نشستم و دانشمندان هر مسئله‌ای که برایشان پیش می‌آمد با بر مسئله‌ای با مشکل روبه‌رو می‌شدند به سراغ من می‌آمدند. یکی از محدثان می‌گوید: حدود ۱۲ هزار سؤال جمع‌آوری شد و همه این‌ها را با حضرت رضا(ع) در میان گذاشتم و ایشان به همه آن‌ها به بهترین وجه جواب دادند. از سوی دیگر در زمانی که حضرت رضا(ع) به خراسان آمدند مأمون تلاش می‌کرد جلسات بحث و مناظره‌ای میان حضرت با علمای ادیان و مذاهب دیگر تشکیل دهد و از راه‌های بسیار دور دانشمندان را فرامی‌خواند تا با آن حضرت مناظره کنند بلکه سؤالی مطرح شود که حضرت رضا(ع) از پاسخ آن عاجز باشند. اما مأمون به اهداف شومش نرسید و همه امام هشتم(ع) با هر کس به هر زبانی که بود به زبان خودش صحبت می‌کردند و به بهترین و شیواترین وجه پاسخ او را می‌دادند. بنابراین مشهور به عالم آل‌محمد شدند؛ اصلاً عالم‌تر از این معنا ندارد.

اما درباره اینکه چرا این لقب به حضرت رضا(ع) داده شد نه امامان دیگر باید گفت هر یک از پیشوایان معصوم(ع) با توجه به شرایط عصر خود و ظرفیتی که برای فعالیت آن بزرگواران در آن دوره وجود داشت به عناوین مقلب شده‌اند؛ امام رضا(ع) هم به دلیل فضای علمی آن عصر و آشنایی جهان آن روز با علم سرشار آن حضرت، به عالم آل‌محمد ملقب شدند.

■ **چرا امامان پس از حضرت رضا(ع)، از امام محمد تقی(ع) تا امام حسن عسکری(ع) این لقب را نداشته شده‌اند؟**

ابتدا دربارهٔ علم حضرت رضا(ع) باید این نکته را عرض کنم که حضرت رضا(ع) عالم‌ترین فرد زمان خود بودند. حاکم نیشابوری که از قول اباصلت هروی می‌گوید: من دانا‌تر از علی بن موسی ندیدم و هر دانشمندی که با ایشان مجالست داشت این مطلب را تأیید می‌کرد. این نشان‌دهندهٔ جایگاه علمی والای امام است. این‌ها سبب می‌شد امام محل رجوع افراد مختلف حتی مخالفانش باشد. حتی مخالفان امام به برتری علمی ایشان اذعان داشتند. چنان‌که مأمون

القاب امام هشتم(ع)

امام هشتم(ع) به جز القابی که به همه امامان معصوم(ع) داده شده مانند امین‌الله، حجت‌الله و... دارای القاب اختصاصی چون رضا، زکی، عالم آل‌محمد، ضامن آهو، مرتضی، رئوف، سراج‌الله، صدیق، غریب‌الغربا، معین‌الضعفا، شمس‌الشموس و... نیز هستند که هر یک بیانگر یکی از صفات و فضائل وجودی آن امام بزرگوار است.

برش گفت‌وگو

درنگ

روایتی اخلاقی از سیره عملی امام رضا(ع)
در چگونگی کمک و یاری رساندن به دیگران

میزبانی ثامن‌الحجج(ع) از بازرگان خراسانی

محمد حسین نیکبخت | بازرگان خراسانی، خسته و کوفته به دروازه مدینه رسید؛ مدتی را در کوچه پسکوچه‌های شهر پیامبر راه رفت و بعد به مسجدالنبی(ص) مشرف شد تا هم نماز بخواند و هم زیارتی کرده‌باشد. محزون و متفکر در گوشه‌ای نشسته بود. مردی از اهالی مدینه به وی نزدیک شد و گفت: ظاهراً غریبه هستید، آیا کمکی از دست من برمی‌آید؟ بازرگان پاسخ داد: من تاجری از اهالی خراسان هستم که برای ادای فریضه حج به مکه مشرف شدم. در میانه راه، پولی که همراه داشتم را گم کردم؛ نمی‌دانم، شاید هم آن را دزدیده باشند. با کاروانی خودم را به مدینه رساندم، شاید بتوان اینجا پولی قرض بگیرم و خودم را به شهر و دیارم برسانم. مرد اهل مدینه به وی گفت: آیا علی بن موسی الرضا را می‌شناسی؟ چرا خدمت ایشان نمی‌روی؟ تاجر سر به زیر انداخت و پاسخ داد: ...می‌خواستم خدمتشان شرفیاب شوم برای زیارت، نه اینکه سؤال و خواسته مالی داشته باشم. مرد مدنی خندید و گفت: پیداست او را دوست داری، اما درست نمی‌شناسی! برخیز تا با هم به منزل علی بن موسی الرضا برویم، حاجتت را به او بگو تا پس رسول خدا(ص) را بهتر بشناسی. بازرگان خراسانی با مرد مدنی همراه شد، آن دو اندکی بعد، مقابل در ورودی منزل ثامن‌الحجج(ع) بودند.

خوب است ادامه این روایت را، به نقل از یسع بن حمزه، یکی از یاران امام رضا(ع) در مدینه نقل کنیم. یسع بن حمزه می‌گوید: «جمعیت بسیاری در مجلس حضور داشتند تا از احکام حلال و حرام می‌پرسیدند و امام رضا(ع) پاسخ آن‌ها را می‌داد. در این بین، ناگهان مردی بلند قامت و گندمگون وارد مجلس شد و سلام کرد و به امام هشتم(ع) عرض نمود: من تاجری خراسانی و از دوستداران شما، پدر و اجدادتان هستم. در سفر حج پولم را گم کرده‌ام و خرجی راه ندارم تا به وطنم برسم. اگر امکان دارد خرجی راه را به من بدهید تا به وطنم برسم. خداوند مرا از نعمت‌هایش برخوردار کرده‌است و شخص ثروتمندی هستم، قول می‌دهم وقتی به وطنم رسیدم، معادل آنچه به من داده‌اید از جانب شما صدقه بدهم، چون خودم مستحق صدقه نیستم. امام رضا(ع) به او فرمود: بنشین، خداوند

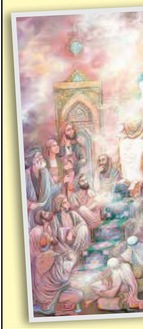

سالن‌های مجهز و مدرن همایش و کنفرانس خبری
مؤسسه فرهنگی قدس
سالن همایش ۲۳۲۰ نفر | سالن کنفرانس خبری ۲۱۰ نفر | اتاق ویژه جلسات ۲۵ نفر
شماره تماس رزرو و هماهنگی:
داخلی ۱۰۳۰ (۰۵۱)۳۷۶۸۵۰۱۱
مناسب‌ترین سرویس بانک

نیمکت زندگی

چون تو هستی، همه هست!

رقیه توسلی |

یک- سندروم داون است. ۱۷ ساله. اسم شما که می‌آید مُشتش را هربار چنان می‌کوبد به قلبش و می‌خندد که دل آدم ضعف می‌رود. پشت بندش می‌گوید: عاشقتم امام‌رضا. نوکررررتم امام‌رضا...

دو- گذر هر کسی که به «جرگکی عمو عظیم» افتاده باشد قاعده‌اش را می‌داند. خبر دارد صاحب این مغازه عریض و طویل، مشهدی نیست اما دیوار غذاخوری‌اش مملو عکس زائران است. می‌داند عمو، وقت حساب و کتاب حتماً اسم شریف مشتری را می‌پرسد. اگر پای نام رضا و علیرضا وسط بیاید، میهمان‌اند. میهمان سفره عشق... و تازه آن‌وقت، وقت درآمدن دستمال چهارخانه از جیب عموست. ساعت ابراز عاشقی. وقت پا شدن این مرد سال‌خورده و سلام‌های قشنگش به ساحت آقا علی بن موسی الرضا...

سه- هفت دختر و سه تا پسر دارد ننه خدیجه. همیشه خدا دورش شلوغ است. به شمارش خودش ۲۴ تا نوه و ۱۱ تایی نتیجه دارد. چند روز پیش وقتی با یکی از نوه‌ها توی فیزیوتراپی دیدمش، درکمال تعجب با ماسک مراشناخت و گفت راهی مشهد است و طلبیده شده. بعد به دستگاهی که وصل شده بود به پایش خندید و گفت: من که با نمیخوام واسه زیارت، همین چشای کم سو کافیه ننه. آن‌وقت اشاره کرد که جلوتر برود. رفتم. با همان چشمای ریز خیسش زمزمه کرد؛ با چهار تا رضا می‌خوام برم پابوس خراسون. نوه‌هایش را می‌گفت...

چهار- برایش سنگ گذاشتند. برای پسر همسایه که هشت ماه پیش رفت به رحمت خدا. از قضا تولدش خردادماه است و مادرش، همسایه‌ها را دعوت کرده سر مزار. می‌رویم، همه با شمع و گل آمده‌اند. روی سنگ مرمر سیاه، دو کلمه بیشتر حک نشده: خادم‌الرضا. نه اسمی نه فامیلی نه تاریخ تولدی. هیچی. فقط نام مبارک شماست آقاجان. درست نوشتند. تا آنجایی که می‌دانم آقا پیمان کلاس خطاطی قرآن داشت توی خیریه. خیریه‌ای در محله پدری. به بچه‌های مستعد و علاقه‌مند حفظ قرآن و خوشنویسی یاد می‌داد و از قصص انبیا هم نمی‌گذاشت. دوستان می‌گویند امضای هنری‌اش -یا امام رضا- بود...

پنج- «خواننده دوره‌گرد» می‌خواند. گوش می‌کنم. کل امروز ساز و آوازش یک ترانه است؛ شاه پناهم بده...

شش- اتوبوسش را که صفا می‌دهد یعنی خبرهایی است. پرده‌هایش را که می‌شوید و لاستیک‌ها را که برق می‌اندازد و خنده از صورتش که کم نمی‌شود، یعنی مسافر دارد. نه از آن مسافرهاکه فقط می‌خواهند برروند شهر. نه از این معمولی‌ها. از آن‌ها که با اتوبوس سبز «آقامراد» می‌خواهند برروند تا خود بهشت. دارد بلند بلند برای مسافری که نشسته روی صندلی شوفر می‌گوید فردا نائب‌الزیاره این جمعم اگر خدا بخواهد. امام رضا طلبیده...

هفت- خودش را «ساناز» معرفی می‌کند. نشسته کنارم توی بانک و سر صحبت را باز کرده. می‌گوید چند سالی می‌شود کارش خدمت‌رسانی به کارگاه‌هایی است که با یک تکان مالی، دوباره سرپا می‌شوند. می‌گوید این روزها هم به نیت شادی پدر مرحومش دارد پناه یک کارگاه نیمه‌ورشکسته و مهندسان نخبه‌اش می‌شود و می‌خواهد سرمایه‌اش را خرج آدم‌های مفید کند. نگاهش می‌کنم. باردار است. می‌خندد و می‌گوید ایشون «ستاره» خانم هستند. همیا و شریک و همراز بنده. آن‌وقت کارتی می‌گذارد توی دستم و می‌گوید به امید دیدار. توی کارت نوشته مجمع امام رضایی‌ها...

هشت- السلام علیک یا علی بن موسی الرضا(ع) الهی تصدقتان بروم آقاجان! تا چشم و گوش کار می‌کند، دنیا از نام مهربان شما پُر است.

برش گفت‌وگو

دلیل تأکید بر زیارت حضرت رضا(ع)

از حضرت جواد(ع) پرسیدند چرا این‌قدر به زیارت حضرت رضا(ع) تأکید شده؟ آن حضرت پاسخ دادند: زیرا هر کس جریان امامت را به حضرت رضا(ع) می‌آید با اعتقاد و اخلاص کامل آمده است.